مشکلات و راهکارهای تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه

در قانون عملیات بانکی بدون ربا

امروزه بانکداری اسلامی دیگر از مفهوم انتزاعی و نظری صرف خود در اوایل قرن بیستم فاصله گرفته و به عنوان یک نهاد مالی پذیرفته شده در سطح بین‌المللی در حال فعالیت است. بانکداری بدون ربا در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آغاز شد و با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۲ رسمیت یافت.

این قانون با ۲۷ ماده شامل پنج فصل است که فصل دوم آن به تجهیز منابع اختصاص دارد. در این فصل از قانون عملیات بانکی بدون ربا، در سه ماده، از ماده ۳ تا ۶، به نحوه تجهیز منابع توسط بانک‌ها پرداخته شده است. به موجب ماده ۳، دو نوع منبع برای تجهیز منابع بانک‌های بدون ربا در نظر گرفته شده است: سپرده‌های قرض‌الحسنه و سپرده‌های سرمایه‌گذاری. سپرده‌های قرض‌الحسنه مشتمل بر دو نوعند: سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز.

در این مقاله بعد از مرور اجمالی نحوه تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه در قانون عملیات بانکی بدون ربا، به بررسی مشکلات سپرده‌های قرض‌الحسنه در این الگو خواهیم پرداخت. در بررسی انجام‌شده اشکالات مشترک دو نوع سپرده قرض‌الحسنه و مشکلات اختصاصی هریک از سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا لحاظ شده است. همچنین راهکارهای ارائه‌شده توسط صاحبنظران به منظور حل این مشکلات مطرح شده است.

سجاد سیفلو
(دانشجوی دکترای مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز دانشگاه امام صادق)

رسول خوانساری
(کارشناس ارشد پژوهشی گروه بانکداری اسلامی پژوهشکدهٔ پولی و بانکی، و دانشجوی دکترای مدیریت مالی دانشگاه تهران)

۱. مقدمه

تا اوایل قرن بیستم، بانکداری اسلامی از یک مفهوم انتزاعی پا را فراتر نهاد. بیشتر آنچه گفته می‌شد و انجام می‌گرفت، تقریباً به صورت نظری باقی ماند. بیشتر تلاش‌ها در آن سال‌های اولیه از طریق ابتکارات شخصی بود. این تلاش‌ها در میان عملیات حجیم و عظیم بانکداری غیراسلامی که بر جهان غالب بود، چندان اهمیتی نداشت. با وجود این، حرکت‌هایی کوچک به صورت طرح‌های بزرگ و وسیع کردار گردید. ابتکارات فردی و خصوصی در زمینه بانکداری اسلامی نمونه عملی خوبی فراهم آورد که بعدها بانکداری بدون ربا بر اساس آن بنیان نهاده شد. در دهه ۱۹۶۰، برخی از بانک‌های اسلامی در مقیاسی کوچک در مصر تأسیس شد که به عنوان بانک‌های اجتماعی روستایی در دلتای نیل عمل می‌کرد (معظم علی، ۱۹۸۵، ص‌ص ۲۵ـ۲۶).

بیشتر بانک‌های اسلامی از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ به وجود آمده‌اند. این تغییر و تحول اساساً به دو شکل صورت گرفته است: شکل نخست، تلاش‌هایی در جهت تأسیس مؤسسات مالی اسلامی در کنار بانک‌های سنتی بوده است. در چنین تلاش‌هایی، دو گونه مؤسسه به شرح زیر رشد کرده‌اند:

۱ـ بانک‌های تجاری اسلامی که بیشتر در کشورهای اسلامی به وجود آمده‌اند.

۲ـ شرکت‌های سرمایه‌گذاری اسلامی و شرکت‌های سهامی که در برخی از کشورهای اسلامی و بیشتر در کشورهای غیراسلامی مشغول فعالیت هستند.

در هر دو حالت، عملیات بانکی در بانک‌های اسلامی عموماً با توجه به مقررات خاصی صورت می‌گیرد که در همه بانک‌ها وجود دارد. اکثر این مؤسسات توسط بخش خصوصی تأسیس گردیده است. شکل دوم این تلاش‌ها، سعی در تجدید ساختار کل سیستم مالی اقتصاد به منظور انطباق با قوانین اسلام داشته است. در این راه به دو شیوه عمل شده است:

۱ـ مؤسسات مالی به شکل اسلامی درآمده‌اند.

۲ـ اسلامی‌کردن کل اقتصاد از طریق یک فرایند تدریجی صورت گرفته که از بخش بانکداری آغاز شده است (خان و میرآخور، ۱۹۸۷، ص ۹).

درک عامه از نظام اقتصادی و مالی اسلامی این است که این نظام تنها در تحریم ربا با سایر نظام‌ها تفاوت دارد. از آنجا که حذف بهره عموماً نخستین گام در اسلامی‌کردن اقتصاد در کشورهای مسلمان بوده است، لذا طبیعی به نظر می‌رسد که نهاد بانکداری بدون بهره بیشترین توجه را به خود معطوف کند. گرچه تحریم معاملات مبتنی بر بهره اساس یک نظام اقتصادی اسلامی را تشکیل می‌دهد، لیکن به هیچ وجه توصیفی کامل و کافی از کل این نظام به‌دست

نمی‌دهد (خان و میرآخور، ۱۳۷۰، ص۲۷).

در ایران، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گام‌هایی در جهت تبدیل سیستم بانکی، ابتدا به وسیله ملی‌کردن و سپس با یک‌کاسه‌کردن بانک‌ها برداشته شد (خان و میرآخور،۱۳۷۰، ص۴۲). نخستین گام در راه حذف بهره از سیستم بانکی کشور، بر اساس مصوبه سوم دی‌ماه ۱۳۵۸ شورای پول و اعتبار برداشته شد و ضمن کاهش نرخ بهره نام آن در سیستم بانکی به «حداکثر کارمزد دریافتی» و«حداقل سود تضمین‌شده» تغییر یافت. ولی از آنجا که این اقدامات نمی‌توانست نظام حاکم بر بانکداری کشور را از نظر ماهیتی تغییر دهد در اجرای تبصره ۵۴ قانون بودجه سال ۱۳۶۰ دولت مکلف شد از زمان اجرای این قانون برای حذف ربا و اصلاح سیستم بانکی کشور در اسرع وقت مطالعات لازم را انجام و نتایج امر را حداکثر ظرف شش ماه به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. بدین ترتیب «قانون عملیاتی بانکی بدون ربا (بهره)» در جلسه علنی روز سه‌شنبه هشتم شهریور ۱۳۶۲ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ دهم شهریور مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و برای اجرا به دولت ابلاغ شد.

با اجرای قانون حذف ربا، بانک‌ها می‌توانند به دو طریق از مردم سپرده قبول کنند؛ الف) سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز و ب) سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار. بانک در به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از طرف مردم وکیل است و می‌تواند این وجوه را در قالب عقود اسلامی به کار گیرد (احسانی، ۱۳۸۶، ص۸۳). در این بررسی مشکلات دو نوع سپرده قرض‌الحسنه در بانکداری بدون ربا مورد مداقه قرار گرفته است.

۲. سپرده‌های قرض‌الحسنه

قرض‌الحسنه اصطلاحی قرآنی است که در لسان قرآن با تعبیر خاصی از آن به نیکی یاد شده است. برای نمونه در آیه ۲۴۵ سوره بقره آمده است: «کیست که خدا را قرض‌الحسنه دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که می‌گیرد و می‌دهد و همه به سوی او بازگردانده می‌شوید».

شاید مراد از قرض‌الحسنه این باشد که قرض‌دادن از روی اخلاص و خالی از نیات غیرالهی باشد. در این صورت خداوند مال انسان را برکت می‌دهد، به طوری که روایت شده است، ۱۰ الی ۷۰ برابر می‌گرداند و این اختلاف در افزایش سبب اختلاف در نیت و استحقاق منفق علیه و صلاح و علم و قرابت او به مقرض می‌باشد (فرزین‌وش و شعبانی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۳).

قرض‌الحسنه از جمله اموری است که از سوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بدان سفارش بسیاری شده است. در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده است: «کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و او قرض ندهد، خداوند روزی که محسنین را جزا می‌دهد، بهشت را بر او حرام می‌کند» (الحر العاملی، ۱۴۰۳، ص ۸۸).

همچنین از نظر اقتصادی برخی آثار بر قرض‌الحسنه مترتب است که می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. چون مصرف‌کنندگان معمولاً از آنچه به صورت ذخیره احتیاطی نگه داشته‌اند، قرض می‌دهند این عمل موجب جریان یافتن وجوهی می‌شود که بدون آن نه مصرف می‌شوند، نه سرمایه‌گذاری.

۲. چون این وجوه در اختیار سایر مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان قرار می‌گیرد و تقاضای آنان تأمین می‌شود، رفاه کل و تولید کل در اقتصاد بالا می‌رود.

۳. جریان اطلاعات در اقتصاد افزایش می‌یابد، زیرا متقاضیان برای ابراز تقاضا و توجیه آن باید اطلاعات خود را ارائه دهند.

۴. در اثر انتشار و ازدیاد جریان اطلاعات، خطر و نااطمینانی در اقتصاد کاهش می‌یابد.

۵. گسترش قرض‌الحسنه موجب بهبود توزیع درآمد میان قشرهای مختلف می‌شود.

۶. کارایی اقتصادی بالا می‌رود.

یکی از آثار اقتصادی مترتب بر قرض‌الحسنه این است که جریان اطلاعات در اقتصاد افزایش می‌یابد، زیرا متقاضیان برای ابراز تقاضا و توجیه آن باید اطلاعات خود را ارائه دهند

۷. بالاخره به دنبال آثار فوق، گسترش خدمت قرض‌الحسنه می‌تواند از شدت تورم و رکود جلوگیری کند (صدر، ۱۳۷۴، ص‌ص ۱۳۲-۱۳۳).

علی‌رغم تفاوت بین قرض و قرض‌الحسنه، به لحاظ فقهی و حقوقی هر دو دارای آثار یکسانی هستند و تفاوتی در احکام بین آنها وجود ندارد.

۲ـ۱. سپرده قرض‌الحسنه جاری

حساب جاری در عملیات بانکداری بدون ربای ایران، ماهیت قرض دارد و مثل حساب جاری در بانک‌های متعارف است و همانند آنها خدمات حساب جاری را در اختیار صاحب حساب قرار می‌دهد و به موجودی این‌گونه حساب‌ها هیچ سودی تعلق نمی‌گیرد. استفاده از حساب جاری، افزون بر حفظ پول در بانک، موجب تسهیل پرداخت‌ها و بی‌نیازی صاحب حساب از حمل و نگهداری وجوه نقد می‌شود.

وجوه فراهم‌شده از ناحیه این حساب‌ها مطابق ماهیت عقد قرض به مالکیت بانک‌ها در آمده، جزء منابع بانک خواهد بود. بانک‌ها می‌توانند با رعایت ذخایر قانونی و ذخایر احتیاطی، باقیمانده این وجوه را از طریق عقود مندرج در ماده ۳ به‌کار گرفته، سود کسب کنند (موسویان، ۱۳۸۳، ص۴۳۸).

این حساب از نظر ماهیت حقوقی و کیفیت عمل، همانند سپرده‌های دیداری در بانکداری متعارف است. اشخاص حقیقی و حقوقی با افتتاح حساب جاری، وجوه مازاد بر نیاز خود را به بانک تحویل داده، دسته چک می‌گیرند تا در زمان مناسب با استفاده از خدمات حساب جاری در مبادلات پولی خود از آن استفاده کنند و از آنجا که انگیزه سپرده‌گذاران این حساب حفظ و نگهداری وجوه و تسهیل در مبادلات پولی از طریق خدمات بانکی است، به‌کارگیری واژه «قرض‌الحسنه» درست نیست. گویا اطلاق این واژه بر این حساب‌ها از این پندار نادرست سرچشمه می‌گیرد که هر قرض بدون بهره‌ای قرض‌الحسنه است، در حالی که درست نیست. مطابق مضمون آیات و روایات، قرض‌الحسنه هنگامی معنا می‌یابد که قرض‌دهنده برای کسب



پاداش معنوی به فرد نیازمندی کمک کرده، به او قرض بدون بهره می‌دهد؛ بنابراین اگر قرض‌دهنده با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معاملات، نقل و انتقال وجوه و غیره مبلغی را به بانک یا غیر آن قرض دهد، گرچه قرض بدون بهره بوده و از نظر اسلام مجاز و مشروع است، بر آن عنوان قرض‌الحسنه صدق نمی‌کند و چنانکه گفته شد بیشتر سپرده‌گذاران در حساب‌های جاری با چنین اغراضی سپرده‌گذاری نمی‌کنند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۰).

۲ـ۲. سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز

حساب پس‌انداز نیز ماهیت قرض دارد و همانند حساب پس‌انداز در بانکداری متعارف است با این تفاوت که در بانکداری بدون ربا، به صاحبان حساب پس‌انداز، بهره‌ای پرداخت نمی‌شود. حساب مذکور این امکان را به مردم می‌دهد که وجوه مازاد بر نیاز خود را به هر میزانی باشد به بانک بسپارند و هرگاه نیاز داشتند، از بانک دریافت کنند. افزون بر آن، صاحبان این حساب‌ها در امر قرض‌الحسنه اعطایی از طرف بانک مشارکت کرده و از اجر و ثواب آخرتی آن نیز بهره‌مند می‌شوند. وجوه این حساب نیز به مالکیت بانک درآمده، جزء منابع بانک خواهد بود و بانک‌ها با لحاظ ذخایر قانونی و احتیاطی، بخشی از این وجوه را به اعطای وام قرض‌الحسنه اختصاص داده، بخش دیگر را از طریق عقود مندرج در ماده ۳ به کار گرفته و سود کسب می‌کنند (موسویان، ۱۳۸۳، ص۴۳۹).

حساب‌های پس‌انداز، از سپرده‌های رایج نظام‌های بانکی هستند و دارای این ویژگی‌اند که اشخاص حقیقی و گاه حقوقی، مازاد وجوه خود را برای مدت نامعین به چنین حسابی واریز کرده، در قبال آن دفترچه پس‌انداز می‌گیرند تا در هنگام نیاز، وجوه مذکور را دریافت کنند. ماهیت چنین سپرده‌ای قرض است و در بانک‌های سنتی به طور عموم به آن بهره تعلق می‌گیرد. در بانکداری بدون ربا، پرداخت بهره ممنوع است ولی برای تشویق سپرده‌گذاران جوایزی در نظر می‌گیرند. این جوایز که بدون شرط و تعهد قبلی پرداخت می‌شود، به صورت نقدی و جنسی است و از طریق قرعه بین صاحبان حساب توزیع می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۰).

اگر قرض‌دهنده با اغراض دیگری چون حفظ پول، تسهیل در معاملات، نقل و انتقال وجوه و غیره مبلغی را به بانک یا غیر آن قرض دهد، گرچه قرض بدون بهره بوده و از نظر اسلام مجاز و مشروع است، بر آن عنوان قرض‌الحسنه صدق نمی‌کند

۳. مشکلات تجهیز منابع از طریق قرض‌الحسنه

برای جذب سپرده‌ها و نقدینگی در اقتصاد نیاز به ابزار و انگیزه برای سپرده‌گذار است. در سیستم بانکداری ربوی بهره ابزاری برای کنترل و جذب سپرده‌گذار است. همچنین در هنگام نیاز به سرمایه‌گذاری در اقتصاد با کاهش نرخ بهره تسهیلات، انگیزه و تقاضا برای وام و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهند. ولی در سیستم بانکداری بدون ربا فقدان اهرم کافی برای جذب سپرده‌ها به چشم می‌خورد. در بانکداری ربوی، نرخ بهره از پیش تعیین‌شده، صاحبان وجوه را به ویژه در جوامعی که ربا ممنوع نیست، به سوی بانک می‌کشاند. اگر بانک به پول بیشتری نیاز داشته باشد، نرخ بهره سپرده‌های بانکی را افزایش می‌دهد و هرگاه احساس کند نیاز به پول کمتری دارد، نرخ بهره سپرده‌ها را کاهش می‌دهد. در جهت اعطای تسهیلات نیز هرگاه بخواهد تقاضای مردم را افزایش دهد، نرخ بهره وام را کاهش می‌دهد و هرگاه بخواهد تقاضا را کاهش دهد، نرخ بهره وام را افزایش می‌دهد.

همان‌طور که گفته شد در بانکداری بدون ربا، بانک دو نوع وجوه مالی دریافت می‌کند، یکی قرض‌الحسنه و دیگری سپرده سرمایه‌گذاری است. در مورد پس‌انداز قرض‌الحسنه مهم‌ترین انگیزه باید انگیزه معنوی باشد. وجود و قوّت این انگیزه در جامعه به روحیه معنوی و نوع‌دوستی مردم باز می‌شود. اگر این روحیه در مردم قوی باشد، رقم پس‌انداز افزایش می‌یابد و اگر ضعیف باشد این رقم کاهش می‌یابد.

اهرم دیگر جذب پس‌انداز، جوایز بانکی است ولی این اهرم در بانکداری ربوی نیز وجود دارد. بنابراین، بانکداری ربوی از یک اهرم مادی قوی در جذب پس‌انداز برخوردار است که در بانکداری بدون ربا وجود

نـدارد؛ البته اگـر در جامعه در زمینه انگیزه‌هـای معنوی و مردم‌دوسـتی تبلیغ لازم انجام شـود، به علاوه برای جبران کاهـش ارزش پول در صورت وجود تورم، اقدام اساسی صورت گیرد یا جلـوی کاهش ارزش پـول گرفته شود تا حدود زیادی این نقص جبران می‌شود.

در مـورد سـپـرده‌های سـرمایه‌گذاری، بانکداری بدون ربا از اهرم سـود انتظاری یا علی‌الحسـاب استفاده می‌کند. این اهرم تا حدودی مؤثـر اسـت، به خصـوص در صورت نبـودن بانک ربـوی رقیـب. ولی در مقایسـه با بانکداری ربـوی این اهرم کارایی سود قطعی بانک ربوی را ندارد مگر آنکه همواره نرخ سود انتظاری یا علی‌الحساب بالاتر از نرخ بهره متعارف باشـد که چنین چیزی شـاید ممکن نباشد.

نکتـه مهم دیگـر فقـدان اهرم کافی برای جذب سـپرده‌های حساب جـاری در بانکـداری بدون رباسـت، زیرا با تحریم ربا نمی‌توان به این‌گونه سپرده‌ها بهره پرداخت، حال آنکه در بانکـداری ربوی می‌توان بـر این نوع سـپرده‌ها نیز بهره افزود (میرجلیلی، ۱۳۷۴، ص ص ۱۶۰-۱۶۱).

۳ـ۱. اشـکال‌های مشـترک بین دو نوع سپرده قرض‌الحسنه

اشـکال‌های زیـر بر اسـتفاده از قـرارداد قرض‌الحسـنه در سـپرده پس‌انداز و سـپرده جـاری به صورتی که در قانـون عملیات بانکداری بدون ربا آمده و عمل می‌شود وارد است:

۱. عـدم تناسـب عنـوان قرض‌الحسنه با این نوع سپرده‌ها

عنوان قرض‌الحسـنه که در بند الف ماده ۳ آمده است برای یک بانک بازرگانـی قابل پذیرش نیسـت. بانک بازرگانی نباید مجاز به پذیرش سپرده مـردم تحـت عنـوان قرض‌الحسـنه باشد. این عنوان درخور صندوق‌هایی اسـت که بـا هدف‌هـای نیکوکارانه تشـکیل می‌شـوند. حجـم عملیات ایـن صندوق‌هـا غالباً در مقایسـه با بانک‌ها ناچیز اسـت و پول‌هایی که از اشـخاص نیکوکار تحت عنوان سپرده بی‌بهره دریافت می‌کنند به آنها امکان می‌دهد وام‌های کوچک بی‌بهره برای برطرف‌کردن گرفتاری‌های نیازمندان بدهنـد. ایـن صندوق‌هـا نمی‌توانند جایگزیـن بانک‌هـای بازرگانـی که دارای توانایی‌هـای لازم بـرای جذب سـپرده‌های مـردم و دادن وام‌هـای بـزرگ هسـتند، بشـوند (کاشـانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰).

مطابـق آیـات و روایـات، قرض‌الحسـنه عبـارت از قرض بدون بهـره‌ای اسـت که فـرد نیکـوکاری در اختیـار نیازمنـدی قـرار می‌دهد تـا بـا اسـتفاده از آن فـرد نیازمند بتوانـد احتیـاج خـود را تأمین کند. پـس به‌کارگیری واژه قرض‌الحسـنه در سـپرده‌های پس‌انـداز بانکـی که صاحبـان آنها به اغراض دیگری چون حفظ و نگهداری وجوه، کسب درآمد و غیره سـراغ بانـک می‌روند، بی‌معنا اسـت (هادوی‌نیا، ۱۳۷۸، ص‌ص ۴۷ ـ۵۲).

شاید بتوان گفت عنوان «سپرده قرض‌الحسنه» از نظر مفهوم نیز دارای ایراد است. طبیعت این سپرده، نوعی ودیعه و امانت است که بانک دریافت می‌کند ولی قـرض در مورد وام‌هایی است که بانک به وام‌گیرندگان می‌دهد و بـه هر حال هیچ یـک از دو عنوان «سـپرده جاری» و «پس‌انداز» را که در بانکداری عرفی پذیرفته شده است نمی‌تـوان از مصادیق قرض‌الحسـنه دانست (کاشانی، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰).

۲. ذهنیـت اشـتباه مـردم، کارگزاران بانک، مسئولان نظام بانکی، دولت و مجلس نسبت به بانک

وارد کردن قرارداد قرض‌الحسنه در سـپرده‌های جـاری و پس‌انداز، با توجه به بار ارزشی این قرارداد، باعث شـده ذهنیت مردم، کارگزاران بانک، مسئولان نظام بانکی، دولت و مجلس نسـبت به بانک که بنا به تعریف، یک بنگاه تمام عیار اقتصادی است، تغییر کـرده و بانـک را مؤسسـه خیریه‌ای تصـور کننـد کـه جوابگوی اقشـار آسیب‌پذیر و ابزار کار دولت و مجلس در مواقع بروز حوادث غیرمترقبه چون سیل، زلزله و غیره است. شاهد روشن این مدعـا وجود تسـهیلات تکلیفی در قانـون بودجه سـالانه اسـت که همه سـاله توسـط دولت ارائه شده و به وسـیله مجلس تصویب می‌شـود (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱).

۳. کاهـش ارزش پـول در طول زمـان و عـدم پرداخت سـود به این سپرده‌ها

یکی از ویژگی‌های بـارز اقتصاد در برخی کشـورهای در حال توسعه، وجـود نـرخ تورم‌هـای دو رقمی در مقاطـع زمانـی بلندمـدت اسـت و این موجـب پایین‌آمـدن ارزش پول و پدیدارشـدن مشـکلات حقوقـی و اقتصـادی پیچیـده‌ای در معامـلات مدت‌دار و بدهی‌های معوقه می‌شـود. فروشـنده‌ای کـه اجناس خـود را به صـورت نسـیه فروخته بـود، اکنون می‌بیند به دلیل تـورم، همان جنس را بـا همـان قیمـت نمی‌توانـد از عمده‌فروش خریداری کند. طلبکاری که به جهـات گوناگون چون اختلاف حقوقـی، امتناع بدهـکار از پرداخت، ناتوانـی بدهـکار بـرای مـدت زمان طولانی نتوانسته طلب خود را وصول کند، متوجه می‌شود مبلغ اسمی قابل دریافـت در مقابل ارزش واقعی طلب، تفاوت فاحش دارد.

سـپرده‌گذارانی کـه بـه امیـد دسـت‌یافتن به سـود در حساب‌های سـپرده بلندمـدت پنـج سـاله، سـرمایه‌گذاری کرده بودنـد، متوجه می‌شوند نه تنها سودی نبرده‌اند بلکه بعد از پنج سال قادر به دریافت ارزش واقعی اصل سپرده‌شان نیستند.

بانک‌هایی که با سـود مشخص، تسهیلات بلندمدت بیست ساله اعطا کرده‌اند در شـرایط تورمی احسـاس می‌کننـد نه تنها سـودی به دسـت نمی‌آورنـد بلکـه روز بـه روز ارزش سرمایه خود را از دست می‌دهند.

وجود ده‌ها بلکـه صدها مثال از این قبیل باعث شده حقوق‌دانان دنیا بـه ویژه فقها و حقوق‌دانان مسـلمان به دنبال پیداکردن راه حل منطقی و مناسب باشند و این موجب پیداشدن نظریه‌های مختلف در این عرصه شده است.

در ایـن قسـمت بـرای توجـه بیش‌تـر بـه اهمیت جبـران کاهش ارزش پـول، به برخی مشـکلات در روابط اقتصادی مردم، در دیون نقدی و نظام بانکداری اسلامی، در وضعیت عدم جبران کاهش شدید ارزش پول، و کامیابی‌هـای آن در صورت جبران کاهـش ارزش پـول اشـاره‌ای کوتاه خواهیم داشت.

۱. هنگامی که تورم، شدید باشد و معیار محاسـبه سـود سـپرده‌های بانکـی، ارزش حقیقـی آنها نباشـد، حجم سـپرده‌ها کاهـش می‌یابد؛ در نتیجـه سـرمایه‌گذاری کاهش یافته و در پـی آن، تولیدهـای ملی سـیر کاهنـده در پیـش خواهـد گرفـت. هنگامی که سپرده‌گذار قرض‌الحسنه بـه قصـد خیرخواهـی رضـای خدا و بـرای کمک بـه نیازمنـدان، تمام هزینه فرصت سـرمایه نقدی خود را که حاصل مدت‌ها دسـترنج او است، متحمل می‌شـود، انتظـار دارد اصل سرمایه نقدی وی آسیبی نبیند؛ ولی وقتی پیش‌بینی کند یا پیش‌تر تجربه کرده باشـد که بـا این اقـدام، اصل سـرمایه نقدی وی با خسارت مواجه می‌شـود، در تصمیم خود تجدید نظر می‌کنـد؛ زیرا در تورم شـدید، بخش درخـور توجهـی از ارزش حقیقـی سرمایه نقدی سپرده قرض‌الحسنه به ناگزیر به قرض‌گیرنده منتقل می‌شود؛ بنابراین، سـپرده‌گذارِ قرض‌الحسنه با دو هزینـه روبه‌رو اسـت؛ هم متحمل هزینه فرصت می‌شود و هم بخشی از ارزش حقیقی سـرمایه نقدی خود را از دسـت می‌دهد. تردیدی نیست که در چنین وضعی، میزان سـپرده‌های قرض‌الحسـنه در سـطح ملی کاهش می‌یابد.

۲. بـه صـورت نتیجـه مشـکل اول، بیـان می‌شـود کـه در چنیـن وضعـی، سـرمایه‌گذاری و تولیـد، کاهش خواهـد یافت. پس‌انداز، عامل اصلی سـرمایه‌گذاری و تولید اسـت.

هنگامی که پس‌انداز کاهش یابد، به‌یقین اگر موانع جدی دیگری وجود نداشته باشد، سرمایه‌گذاری و تولید افزایش می‌یابد؛ بنابراین اگر بر پایه مطلب شماره پیشین بپذیریم که در سپرده‌های قرض‌الحسنه، معیار بازپرداخت اصل سرمایه نقدی، قدرت خرید حقیقی باشد، میزان سپرده‌های‌قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری فزونی می‌یابد و در پی آن، سرمایه‌گذاری و تولید افزایش خواهد یافت.

۳. هنگامی که ارزش پول کاهش یابد و معیار بازپرداختِ سپرده‌ها، ارزش اسمی پول باشد، توزیع ثروت در جامعه به‌شدت به زیان سپرده‌گذاران خواهد بود. در این وضع، افراد متوسط جامعه که دارای پس‌اندازهای اندک هستند و نمی‌توانند با آن پس‌اندازها، کالای بادوامی را بخرند که ارزش اندکِ پس‌اندازشان حفظ شود، خسارتِ بیش‌تری می‌بینند. افرادی که دارای پس‌اندازهای هنگفت هستند، پس‌اندازهای خود را در بخش خرید زمین، مسکن، ساختمان‌سازی به کار می‌گیرند یا دست‌کم پس‌انداز خود را به‌صورت سپرده سرمایه‌گذاری و خرید زمین و غیره توزیع می‌کنند؛ بنابراین در چنین حالتی، صاحبان پس‌اندازهای اندک بیش از افراد دارای پس‌اندازهای فراوان، متضرر خواهند شد. در عوض، افرادی که می‌توانند این سپرده‌ها را در بخش واسطه‌گری به کار گیرند، توزیع ثروت در جامعه به نفع آنها تمام خواهد شد (یوسفی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵).

به‌کارگیری قرارداد قرض‌الحسنه در سپرده‌ها باعث شده است که بانک‌ها نتوانند سودی به سپرده‌گذاران بپردازند؛ چرا که به فتوای مشهور فقها، از جمله حضرت امام خمینی (ره)، اشتراط هر نوع زیاده و بنا گذاشتن بر هر نوع زیاده در قرارداد قرض، هرچند برای جبران کاهش ارزش پول، ربا به حساب می‌آید

به‌کارگیری قرارداد قرض‌الحسنه در سپرده‌ها باعث شده است که بانک‌ها نتوانند سودی به سپرده‌گذاران بپردازند؛ چرا که به فتوای مشهور فقها، از جمله حضرت امام خمینی (ره)، اشتراط هر نوع زیاده و بنا گذاشتن بر هر نوع زیاده در قرارداد قرض، هرچند برای جبران کاهش ارزش پول، ربا به حساب می‌آید. درحالی‌که طی سالیان گذشته نرخ متوسط تورم حدود ۲۰ درصد بوده است؛ یعنی صاحبان سپرده پس‌انداز نه‌تنها نتوانسته‌اند درآمدی از محل سپرده‌شان به دست آورند، بلکه به طور متوسط سالانه ۲۰ درصد از توان خریدشان را نیز از دست داده‌اند. این درحالی است که بانک‌ها با به‌کارگیری مانده این سپرده‌ها سود خوبی به دست می‌آورند و توان پرداخت بخشی از آن را به سپرده‌گذاران ندارند (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱).

۳ـ۲. مشکلات سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز

درباره سپرده‌های جاری که شباهت و هم‌خوانی زیادی با سپرده‌های جاری در بانکداری ربوی دارند، اشکالی مختص این نوع حساب‌ها از سوی متخصصان و صاحب‌نظران عنوان نشده است. ولی در خصوص سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز اشکال زیر وجود دارد.

۳ـ۳. اشکال‌های ناظر بر قرعه‌کشی و جوایز حساب‌های سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز

تجربه بیست‌ساله بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که بانک‌ها، مانده سپرده‌های پس‌انداز را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی، در زمینه‌های سودآور سرمایه‌گذاری می‌کنند و سود حاصل شده را به‌عنوان سود منابع بانکی، تملک می‌کنند (با این باور که قرارداد بین سپرده‌گذار و بانک، قرارداد قرض‌الحسنه است و منابع بعد از سپرده‌گذاری به مالکیت بانک در می‌آید)، سپس برای تشویق سپرده‌گذاران، از طریق قرعه‌کشی، بخشی از آن سود را به‌عنوان جوایز بانک به بعضی از سپرده‌گذاران می‌پردازند. این امر پیامدهای منفی زیادی دارد، از جمله:

• اول اینکه، گرچه سود حاصل از نظر حقوقی متعلق به بانک است، ولی در واقع حاصل کارکرد منابع سپرده‌گذاران و متعلق به همه آنهاست. از این‌رو، اعطای بخشی از سود حاصل به گروه اندکی از صاحبان حساب پس‌انداز، آن هم از طریق قرعه، عادلانه به نظر نمی‌رسد.

• دوم اینکه، تقسیم سود حاصل از پس‌انداز به صورت قرعه‌کشی و اعطای جوایز فریبنده و تبلیغات وسیع از طریق رادیو، تلویزیون، روزنامه و غیره، افزون بر تحمیل هزینه سنگین تبلیغات، بانک را از سطح یک مؤسسه مهم اقتصادی فرو کاسته، در ردیف مؤسسات بخت‌آزمایی قرار می‌دهد.

• سوم اینکه، اعطای جوایز و تبلیغات وسیع باعث می‌شود که سپرده‌های پس‌انداز ثبات خود را از دست بدهند. مطالعه‌های تجربی نشان می‌دهند که بسیاری از سپرده‌گذاران در پی هر قرعه‌کشی منابع خود را از بانکی به بانک دیگر منتقل می‌کنند، بنابراین روشن است که با از بین رفتن ثبات سپرده‌ها، برنامه‌ریزی برای استفاده از مانده آنها مشکل می‌شود (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۴۴۱) و کار مدیریت نقدینگی در بانک‌ها را دشوارتر می‌سازد.

• برخی علما دریافت جایزه از بانک‌ها را جایز نمی‌دانند. با افزودن نظریه شروط ضمنی و ارتکازی (مبنی بر دریافت جایزه) و نظریه اراده باطنی در تکوین و انعقاد عقد به این مسأله، عدم جواز قرعه‌کشی برای سپرده‌های قرض‌الحسنه، به‌شدت قوت می‌گیرد.

• دریافت کارمزد گرچه از دیدگاه برخی مراجع مجاز است، ولی گروهی دیگر با توجه به ماهیت قرارداد بین بانک و قرض‌گیرنده، در آن شبهه می‌کنند.

۴. راهکارها

از سوی صاحبنظران برای حل این مشکلات راهکارهایی ارائه شده است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۴ـ۱. استفاده از رابطه حقوقی وکالت به جای قرض در پس‌انداز قرض‌الحسنه

افراد می‌توانند به‌جای استفاده از رابطه حقوقی قرض در سپرده‌های قرض‌الحسنه و تملیک منابع مالی خود به بانک، از رابطه وکالت استفاده کنند. به این‌صورت که افراد منابع خود را در اختیار بانک قرار می‌دهند و بانک از طرف آنها وکیل است



این پول‌ها را فقط برای وام‌های قرض‌الحسنه به کار گیرد. با این رابطه حقوقی دیگر بانک نمی‌تواند این منابع را در جاهای دیگر به کار برد و درآمد کسب کند و می‌بایست آنها را در قرض‌الحسنه استفاده کند. مشکل این راهکار آن است که در صورتی‌که بانک بخواهد با استفاده از فعالیت‌های اقتصادی سودآور درآمد بیش‌تری برای اهداف خیرخواهانه و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه بیش‌تر به نیازمندان، کسب کند، از سوی صاحبان وجوه چنین اجازه‌ای را ندارد.

۴ـ۲. الگوی جدید سپرده‌ها در بانکداری بدون ربا

در این الگوی پیشنهادی، حساب پس‌انداز از حساب قرض‌الحسنه تفکیک می‌شود و به جای «حساب قرض‌الحسنه پس‌انداز» دو حساب «سپرده قرض‌الحسنه» و «سپرده پس‌انداز با سود ثابت» معرفی می‌شوند. «سپرده قرض‌الحسنه» شبیه «سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز» کنونی است، با این تفاوت که اولاً بانک ملزم می‌شود تمام منابع تجهیز شده در این حساب را پس از کسر ذخایر قانونی و احتیاطی با دریافت کارمزد واقعی به نیازمندان وام قرض‌الحسنه بپردازد. ثانیاً به دلیل اینکه بانک نمی‌تواند منابع ارزان این حساب را به صورت تسهیلات سودآور به متقاضیان بپردازد، نیازی به تبلیغات گسترده و پرهزینه و اعطای جوایز غیرمتعارف برای تشویق سپرده‌گذاران ندارد؛ بلکه با تبلیغات محدود و متعارف جوایزی معمول بین سپرده‌گذارن توزیع می‌کند. بدین ترتیب، برخی اشکالات مطرح شده تا حد فراوانی مرتفع می‌شود. نخست اینکه انگیزه و نیت سپرده‌گذاران در این حساب، خالص‌تر می‌شود و دوم اینکه تمایل سپرده‌گذاران حرفه‌ای کاهش می‌یابد و منابع این حساب ثبات بیش‌تری خواهد داشت؛ ولی درباره «سپرده پس‌انداز با سود ثابت» در بانکداری متعارف، سپرده‌ای به نام سپرده پس‌انداز وجود دارد که مردم، وجوه مازاد بر نیاز خود را در آن نگه می‌دارند و هنگام نیاز، به بانک مراجعه کرده، بخشی یا تمام اندوخته خود را مطالبه می‌کنند. انگیزه اصلی مردم از افتتاح این حساب، حفظ و نگهداری پول است، ولی در پی کسب درآمد نیز هستند. بانک‌ها با اعطای بهره، مردم را به سپرده‌گذاری تشویق می‌کنند. در بانکداری بدون ربا جای این حساب خالی است و حساب پس‌انداز قرض‌الحسنه به دلیل نداشتن سود نمی‌تواند جایگزین مناسبی باشد و از طرفی اعطای جوایز به صورت قرعه‌کشی نمی‌تواند مشوق مؤثری به شمار آید. با استفاده از عقود شرعی می‌توان سپرده پس‌انداز با سود مشخص و ثابتی طراحی و جایگزین سپرده پس‌انداز بانکداری متعارف کرد. بدین ترتیب، افراد با مراجعه به بانک، بخشی از وجوه مازاد بر نیاز خود را به صورت عقد وکالت در بانک، سپرده‌گذاری می‌کنند و به بانک وکالت می‌دهند، وجوه آنان را به همراه دیگر وجوه حاصل از سپرده پس‌انداز (به صورت مشاع) فقط از طریق عقود با بازده ثابت (فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، خرید دین، مرابحه و استصناع) به جریان انداخته، سود مشخص و ثابتی را برایشان به دست آورد (عرب مازار و کیقبادی، ۱۳۸۵).

۴ـ۳. طراحی اوراق قرض‌الحسنه

در این حالت، مؤسسه در برابر پولی که از قرض‌دهندگان در جایگاه وکیل آنان می‌گیرد، این اوراق را به صورت رسید، به آنان می‌دهد. سه نوع اوراق قرض‌الحسنه متصور است:

الف) اوراق قرض‌الحسنه موقت: اوراق قرض‌الحسنه ممکن است به صورت شش ماهه، یک ساله، دوساله و غیره صادر شود. کسی که این اوراق را دریافت می‌کند، به مؤسسه وکالت می‌دهد از وجهی که داده، به مدت مذکور در آن اوراق، در قرض‌الحسنه استفاده کند. دارنده این اوراق در پایان مدت مورد نظر می‌تواند با تحویل ورقه، وجه خود را بازپس گیرد و پیش از آن، حق اخذ وجه خود را ندارد. در صورتی که قرض‌دهنده پیش از موعد، به پول خود نیاز داشته باشد، می‌تواند آن را در بازار ثانویه بفروشد. در حقیقت با این کار، ثواب قرض به دیگری منتقل می‌شود. لازم به ذکر است اگر قرار باشد این اوراق به صرف (بالاتر از قیمت اسمی) فروخته شود، ربا محسوب می‌شود و اگر قرار باشد این اوراق به کسر (پایین‌تر از قیمت اسمی) فروخته شود، هرچند از طرف فروشنده، از باب بیع دین اشکال ندارد ولی در معاملات بعدی که امکان دارد اوراق به قیمت بالاتری نسبت به معامله اول فروخته شود، باز شبهه ربا پیش می‌آید، مگر اینکه با قرار دادن شرطی از فروش اوراق به مبلغ بالاتر از قیمتی که قبلاً پرداخت شده جلوگیری شود تا از این طریق فقط انگیزه ثواب در این اوراق وجود داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت این اوراق در بازار ثانویه تنها به قیمت اسمی قابل فروش است.

ب) اوراق قرض‌الحسنه دائم: قید دوام در این اوراق بدان معناست که دریافت‌کننده این اوراق، پول خود را تا ابد به قرض‌الحسنه اختصاص می‌دهد و به مؤسسه وکالت تام و دائم می‌دهد که این پول را از ناحیه او به نیازمندان قرض‌الحسنه دهد.

ج) اوراق سرمایه‌گذاری قرض‌الحسنه: دارنده این اوراق، به مؤسسه وکالت می‌دهد که پول او را در فعالیت‌های سودآور اقتصادی سرمایه‌گذاری، و سود آن را صرف قرض‌الحسنه دادن به نیازمندان کند (میرمعزی، ۱۳۸۲، صص ۳۶۳ـ۳۶۲).

۴ـ۴. حذف قرض‌الحسنه از نظام بانکی کشور

بانک‌های متعارف در استمرار فعالیت صرافان با ارایه خدمات نوین برای نیل به اهداف انتفاعی تأسیس شدند و گسترش یافتند. بانک‌های اسلامی نیز ماهیت همان بانک‌های متعارف را دارند که به عنوان یک نهاد تجاری، بیشینه‌سازی سود را در نظر گرفته‌اند ولی تلاش می‌کنند فعالیت‌هایشان به ربا وسایر محرمات اسلامی آلوده نشود.

قرض‌الحسنه نهادی است که از نظر ارتکاز عرفی و مبانی شرعی اشتراط هرگونه انتفاع (حقیقی و حکمی) با ماهیت آن ناسازگار است و چون بانک‌ها نمی‌توانند بدون توجه به

سود صرف برای اهداف اجتماعی هزینه کنند، وجود نهاد قرض‌الحسنه در زمره فعالیت‌های بانک‌های اسلامی، موجب سوء استفاده از نهاد قرض‌الحسنه می شود و انحراف در فعالیت‌های اقتصادی جامعــه و تداخل بین وظایف نهادهای نظام اقتصادی را به دنبال دارد.

بنابراین پیشــنهاد دیگر آن است که قرارداد قرض‌الحسنه به طور کامل از شــبکه بانکی کشور جدا شود و نهاد مســتقلی این وظیفه را به عهده بگیرد تا بانک‌ها نیز فقط در راســتای اهداف متناسب با ماهیت خود فعالیت کنند و به دلیل بی‌توجهی به اهداف اجتماعی، بازخواست نشوند و نهاد قرض‌الحسنه نیز بتواند جایگاه حقیقی خویش را در نظــام اقتصادی جامعه بیابد (حبیبیان نقیب، ۱۳۸۲، ص۳۳۷).

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

قرض‌الحســنه، نهاد ســنتی و معنوی اســت که قابلیت‌هــای مفیدی از نظر اقتصــادی دارد. نحوه به‌کارگیری این نهاد اســلامی در اقتصــاد و قالب‌های اجرایــی آن در تقویت و یــا تضعیف آن بســیار مهم اســت. قانون عملیات بانکــی بــدون ربــا نوعــی از کاربرد قرض‌الحســنه در پیشبرد اهداف و به کارگیــری اقتصادی آن اســت. تمام اشــکالات مذکــور، بیانگر آن اســت کــه انتخاب قرارداد قرض‌الحســنه به صورت قرارداد جایگزین قرض با بهره برای سپرده پس‌انداز، انتخاب درستی نیســت و با روح قرارداد قرض‌الحسنه کــه قراردادی خیرخواهانه اســت و با روح صنعــت بانکــداری کــه بنگاهی تجاری اســت و اهــداف و انگیزه‌های ســپرده‌گذاران، تناسب ندارد. با توجه به این مشکلات بجاست که راهکاری بــرای خــروج از وضعیــت موجــود اندیشیده شود.

برخــی راهکارهــا که از ســوی صاحب‌نظــران حــوزه بانکــداری اسلامی برای ســاماندهی به وضعیت قرض‌الحســنه در بانکــداری بدون ربا ارائه شده اســت، به شیوه‌ای شایسته تــوان حــل مشــکلات پیــش‌روی قرض‌الحســنه را دارد. همچنین توجه به این نکته بســیار مناســب است که راهکارهای ارائه شــده به‌گونه‌ای است که در تعارض با هم نیســتند و امکان اســتفاده همزمان از تمام گزینه‌های مطرح شده برای بهره‌گیری بیش‌تر از قابلیت‌های قرض‌الحســنه به آسانی و راحتی وجود دارد. ○

پیشنهاد آن است که قرارداد قرض‌الحسنه به طور کامل از شبکه بانکی کشور جدا شود و نهاد مستقلی این وظیفه را به عهده بگیرد تا بانک‌ها نیز فقط در راستای اهداف متناسب با ماهیت خود فعالیت کنند و به دلیل بی‌توجهی به اهداف اجتماعی، بازخواست نشوند و نهاد قرض‌الحسنه نیز بتواند جایگاه حقیقی خویش را در نظام اقتصادی جامعه بیابد

پی‌نوشت‌ها:

1. Rural Social Banks

۲- من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له أضعافاً کثیره و الله یقبض و یبسط و إلیه ترجعون

۳- من شکا إلیه أخوه المسلم فلم یقرضه حرم الله عزوجل علیه الجنه یوم یجزی المحسنین.

۴- سپرده‌های سرمایه گذاری مدت‌دار که بانک در به کار گرفتن آنها وکیل است، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم ، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۵- مســأله جبران کاهش ارزش پول نــزد فقها دارای اهمیت ویژه‌ای اســت. در مجموع، نظریه‌های موجود در این باب به پنج دسته قابل تقسیم هستند:

گروه اوّل، جبران کاهش ارزش پول را مطلقاً از مصادیق ربا ندانسته، به لزوم جبران قائل شده‌اند.

گروه دوم، جبران کاهش ارزش پول را مطلقاً از مصادیق ربا و حرام می‌دانند.

گروه سوم، بین موارد شدید و خفیف تورّم و موارد غصب و غیرغصب و... تفصیل داده‌اند.

گروه چهارم که در تشخیص حکم تردید داشته‌اند، به مصالحه حکم کرده‌اند،

و سرانجام گروه پنجم برای جبران ضرر و زیان وارد بر طلبکار، راهکارهایی را ارائه کرده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۱، ص۴).

تلاش‌هــای علمی زیادی در فراهم‌آوردن جوابی قانع‌کننده و فراگیر در خصوص جبران کاهش ارزش پول صورت گرفته است ولی به نظر می‌رسد هنوز نتوانسته نظریه منسجمی که بتواند تمام محققین اسلامی را متفق‌القول کند فراهم کند.

دکتر میثم موســایی فصل پنجم کتاب خود را به بررســی ادله جبــران کاهش ارزش پول اختصاص داده اســت. ایشــان در این کتاب یازده دلیل بر لزوم جبران کاهش قدرت خرید ارائه داده‌اند که به قرار زیر می‌باشند:

- عــرف، قــدرت خرید پول را در تغییرات فاحش، جزء اوصاف مثــل می‌داند، در این صورت، عرف و سیره عقلاً به بازپرداخت مثل که بهای کمتری از آنچه نخست گرفته است دارد، بسنده نمی‌کند.

- هر گونه قرضی که به نفع و بهره منجر شود ربا نیست. پرداخت جبران کاهش ارزش پول در قرض نفع شمرده نمی‌شود، بنابراین ربا نیست، زیرا با فرض برابری مالیت و ارزش، بهره‌ای در کار نیست.

- ربا هرگونه «دریافت و پرداخت واقعی در معاملات و قرض با شرط قبلی» است، جبران کاهش ارزش پول در معاملات و قرض، مصداق زیادی واقعی نیست، لذا موضوعاً از مصادیق ربا شمرده نمی‌شود.

- قواعد حفظ مالکیت افراد در اسلام با عدم جبران کاهش ارزش پول در دیون سازگار نیست.

- در یک نگرش سیستمی، عدم جبران کاهش ارزش پول با فلسفه‌های تحریم ربا سازگاری ندارد.

- عــدم جبران کاهش ارزش پــول در دیون مدت‌دار، با قبول ملاک ظلــم و انظلام برای تحریم ربا سازگار نیست.

- کاهــش ارزش پــول در دیون مصداق تلف کردن اموال دیگران اســت و تلف‌کننده ضامن اســت، بنابراین، کاهش ارزش پول باید جبران شود.

- در صورت کاهش ارزش پول در معاملات مدت‌دار، به صورت شرط ضمنی حق فسخ برای بستانکار ثابت است و باید ضرر او جبران شود.

- قیمی شدن پول در طول زمان، مستلزم جبران کاهش قدرت خرید آن در بدهی‌ها است.

- عدم جبران کاهش ارزش پول در دیون، با اصل حاکمیت عدالت بر کلیه مبادلات مغایرت دارد.
- عدم جبران کاهش ارزش پول در مبادلات مدت‌دار، باعث ضرر و زیان به بستانکار می‌شود، از این رو طبق اصل لاضرر، جبران ضرر لازم است.

نویسنده کتاب ربا و تورم مسئله کاهش ارزش پول را به طور مفصل بحث کرده است و ایشان برای معیار بودن قدرت خرید اسمی پول هشت دلیل آورده و نقد وبررسی کرده است. همچنین برای معیار بودن قدرت خرید حقیقی پول نیز بیست دلیل اقامه کرده است (موسایی، ۱۳۸۲).

همان‌طور که گذشت مسئله جبران کاهش ارزش پول سؤالی بی جواب است ولی باید توجه کرد که این مسئله فقط در خصوص جبران مستقیم کاهش ارزش پول است که در آن شبهه ربای قرضی وجود دارد. برخی راهکارها نیز ارائه شده‌اند که تحت آن سازوکارها می‌توان بدون اصابت به ربا ارزش پول را جبران کرد.

۶- برای نمونه می‌توان به این آرا اشاره کرد:

مسأله ۲۴: اگر سپرده‌گذاران، سپرده‌گذاری خود را در ضمن عقد یا مانند آن، مشروط به قرعه‌کشی کرده باشند و بانک در پی اجرای این شرط دست به قرعه‌کشی بزند، این کار جایز نیست. همچنین گرفتن جایزه از سوی کسی که قرعه‌کشی به نامش درآمده ـ در صورتی که به صورت وفای به شرط باشد- جایز نیست و بدون آن جایز است (حسینی سیستانی، ۱۴۱۸، مسئله ۲۴).

سؤال ۱۹۸۹: اگر سپردن پول به بانک قرض‌الحسنه به شرط شرکت دادن قرض‌دهنده در قرعه‌کشی جایز نباشد و خود بانک برای تشویق قرض‌دهندگان جوایزی معین کند و قرض‌دهنده، پول را به قصد قرض‌الحسنه بلاشرط بدهد اشکال ندارد، هرچند قرض‌دهنده از برنامه جوایز بانک مطلع باشد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۸، سؤال ۱۹۸۹).

۷- اگر صندوق قرض‌الحسنه و مسئولان آن به صورت واسطه بین صاحبان وجوه عمل می‌کنند، که به وکالت از آنها، پول آنها را به وام‌گیرنده قرض می‌دهند که وام‌دهنده، صندوق یا مسئول صندوق نباشد، خود صاحب پول باشد، در این صورت صندوق و مسئول آن می‌تواند مبلغ معینی را به صورت حق‌العمل و مخارج کاغذ و غیره از گیرنده وام بگیرد، ولی اگر وجوهی که گرفته می‌شود جزو موجودی صندوق و ضمیمه وجوه بودجه اعتبار وامی صندوق می‌شود که طبعاً صندوق هم وام‌دهنده می‌شود. وام دادن به شرط اینکه وام‌گیرنده پول بهای این هزینه‌های صندوق را به صندوق بدهد اشکال دارد و حکم ربا را دارد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۸، سؤال ۱۹۸۵).

۸- برای مطالعه بیشتر به حبیبیان نقیبی (۱۳۸۲) مراجعه شود.

منابع و مآخذ:

فارسی:

۱. احسانی، محمد علی. (۱۳۸۶). واسطه‌های مالی و رشد اقتصادی در ایران. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۲. حبیبیان نقیبی، مجید. (۱۳۸۲). انتفاع، معیار ناسازگاری نهاد بانک و نهاد قرض‌الحسنه. مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۳. الحر العاملی. (۱۴۰۳). وسایل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.

۴. خان، محسن و میرآخور، عباس. (۱۳۷۰). مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی. (محمد ضیائی بیگدلی، مترجم). تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۵. صدر، سید کاظم. (۱۳۷۴). آثار اقتصادی رفتار و عقد قرض‌الحسنه. مجموعه مقالات ششمین همایش بانکداری اسلامی. تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۶. عرب مازار، عباس و کیقبادی، سعید. (۱۳۸۵). جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۲.

۷. فرزین‌وش، اسدالله و شعبانی، احمد. (۱۳۸۱). بررسی عقود در بانکداری اسلامی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۸. قرآن کریم.

۹. کاشانی، سید محمود. (۱۳۷۶). بررسی حقوقی چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ۱۳۶۲، مجموعه مقالات هشتمین همایش بانکداری اسلامی. تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۱۰. مجتهد، احمد و حسن زاده، علی. (۱۳۸۴). پول و بانکداری و نهادهای مالی. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

۱۱. موسایی، میثم. (۱۳۸۲). ربا و کاهش ارزش پول. تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.

۱۲. موسوی خمینی، روح ا... .(۱۳۸۰). تحریرالوسیله، جلد ۴. قم: دارالعلم.

۱۳. موسویان، سید عباس. (۱۳۸۶). ابزارهای مالی اسلامی (صکوک). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۴. موسویان، سید عباس. (۱۳۸۳). ارزیابی عملکرد سپرده‌های بانکی در بانکداری بدون ربای ایران. مجموعه مقالات پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

۱۵. میر معزی، سید حسین. (۱۳۸۲). سیستم تجهیز و تخصیص منابع در اقتصاد بدون سود. مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۱۶. میرجلیلی، سید حسین. (۱۳۷۴). ارزیابی بانکداری بدون ربا. تهران: معاونت امور اقتصادی.

۱۷. هادوی‌نیا، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). قرض‌الحسنه و آثار اقتصادی آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۸. یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۱). بررسی فقهی نظریه‌های جبران کاهش ارزش پول. فصلنامه فقه اهل بیت، شماره ۳۰.

۱۹. یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۱). ربا و تورم (بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۰. یوسفی، احمد علی. (۱۳۸۳). راه‌های جبران کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی. فصلنامه اقتصاد اسلامی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

انگلیسی:

1. Khan, , S. & Mirakhor, Abbas. (1987). The Framework and Practice of Islamic Banking in Theoretical Studied in Islamic Banking and Finance Washington D.C: The institute for research and Islamic studies.

2. Muazzam, Ali. (1985). Islamic Banking comes of Age. Journal of Islamic Banking & Finance, 2. (1).